

فرزندان روح الله - ۱

# گفتگو با وحید یامین‌پور پیرامون شرایط فرهنگی کشور و مطالبات رهبر انقلاب

مرداد ۱۳۹۳

\* دغدغه‌های فرهنگی آقا، علت گرا است نه معلول گرا

\* سیاست زدگی رسانه‌ها، آفت کار فرهنگی است

\* دولت، از لحاظ پارادایمی عقب افتاده است



## اشاره:

وقتی از فرهنگ حرفی به میان می آید، همه از ضرورت و اهمیت آن داد سخن سر می دهند، مسئولین مختلف دولتی و غیردولتی با استناد به سخنان رهبر معظم انقلاب مبنی بر اولویت و تقدم آن حتی بر اقتصاد و سیاست، توجه به فرهنگ را در راس اقدامات خود ذکر می کنند اما در عمل چیزی که مشاهده می کنیم مغایر با گفته های مسئولین مختلف و گلایه های هر ساله رهبری از کارگزاران فرهنگی نظام مبنی بر مظلومیت فرهنگ است.

اما مشکل کار کجاست؟ برای پاسخ به این سوال، به سراغ ” وحید یامین پور “ رفتیم تا پاسخ این سوال را از او، که دیگر به راحتی می توان گفت در عرصه رسانه ای و فرهنگی به چهره ای شناخته شده تبدیل شده است، بجوییم.

در ادامه مشروح مصاحبه خبرگزاری نسیم با این استاد دانشگاه و فعال فرهنگی از نظر می گذرد:

سوالات، نظرات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید:

vareseen.ir

jozveh88.blog.ir



## چکیده:

- \* برای توجه به فرهنگ، نگاه تمدنی نیاز است
- \* جریان روشنفکری سکولار، هیچ وقت از فرهنگ غافل نشده است
- \* سیاست زدگی رسانه ها، آفت کار فرهنگی است
- \* دغدغه های فرهنگی آقا، علت گرا است نه معلول گرا
- \* جریان روشنفکری، در موضع انفعال و تدافع قرار دارد
- \* منطقی این بود که الان حتی یک چادری نداشته باشیم!
- \* تولیدات جریان فرهنگی انقلاب، باید در سطح جامعه دیده شود
- \* دولت، از لحاظ پارادایمی عقب افتاده است
- \* وجود مشاوره های ماندن سریع القلم برای دولت، مایه تاسف است
- \* روی کار آمدن ”روحانی“، به دلیل دامن زدن به دغدغه های معیشتی بود
- \* جریان فرهنگی ارزش گرا، باید از شتاب زدگی پرهیز کند

بسم الله الرحمن الرحيم.

رهبر معظم انقلاب، سال‌ها است که روی مسأله فرهنگ تأکید دارند و به نوعی آن را مهمترین اولویت کشور و دغدغه اصلی می‌دانند. با این حال به نظر می‌رسد که فرهنگ، هنوز دغدغه و اولویت اصلی بخش وسیعی از مسئولان و جامعه نیست. به نظر شما چه عاملی باعث به محاق رفتن این دغدغه اصلی شده است؟

یامین پور: گرفتاری اصلی ما اقتضائاتی است که فوریت پیدا کرده‌اند، گاهی این اقتضائات، اقتضائات معیشتی است گاهی هم سیاسی و چون فرهنگ مابه‌ازای عینی ندارد، همیشه ذیل اقتصاد و سیاست قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر معمولاً اقتصاد و سیاست مهمتر تلقی می‌شوند. این مسأله در عرصه مدیریتی نیز صادق است، عموماً کسی که مدیریت و مسئولیت یک مجموعه را بر عهده می‌گیرد، توجه‌اش به یک مابه‌ازای عینی است تا بتواند گزارش کار ارائه دهد.

فرهنگ چون یک پدیده فرایندی، آرام و تدریجی است معمولاً به چشم نمی‌آید و مدیران و مسئولان علاقه‌مند هستند تا مسائل خود را از طریق تصمیم‌گیری‌های سیاسی که بازتاب فوری و عینی دارند انجام دهند؛ لذا اینکه فرهنگ مظلوم مانده و چندان به آن توجه نمی‌شود به همین دلیل است، به عبارت دیگر فرهنگ در ذیل سیاست قرار می‌گیرد.

### \* برای توجه به فرهنگ، نگاه تمدنی نیاز است

کسی که پدیده‌ها را عمیق‌تر، تاریخ‌مند و تمدنی می‌بیند، توجه‌اش به فرهنگ جذب می‌شود و رهبری چون کل انقلاب اسلامی را یک پدیده تاریخ‌مند و به سوی تمدن اسلام می‌بیند، توجه‌شان بیش از همه چیز به فرهنگ معطوف است و طبیعتاً هر کسی این امکان را ندارد که پدیده‌ها را عمیق تحلیل کند؛ از این رو در لایحه‌های سطحی مدیریتی و لایحه تصمیم‌گیری اجرایی وقتی مسائل تحلیل می‌شود، دیگر

کسی که پدیده‌ها را عمیق‌تر، تاریخ‌مند و تمدنی می‌بیند، توجه‌اش به فرهنگ جذب می‌شود و رهبری چون کل انقلاب اسلامی را یک پدیده تاریخ‌مند و به سوی تمدن اسلام می‌بیند، توجه‌شان بیش از همه چیز به فرهنگ معطوف است و طبیعتاً هر کسی این امکان را ندارد که پدیده‌ها را عمیق تحلیل کند.

فرصتی برای اندیشیدن به فرهنگ وجود ندارد.

مسئله اصلی در همه دولت‌ها همین بوده است. در واقع دولت‌های جمهوری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی در هر پارادایم و گفتمانی فعالیت‌شان را عموماً آرمانی آغاز می‌کنند ولی تکنوکرات‌ها پایانی می‌رسانند؛ حتی خاتمی و احمدی‌نژاد نیز هر کدام با یک آرمان‌کارشان را آغاز کردند ولی در نهایت هر دو تکنوکرات‌ها به فعالیت خود پایان دادند، حال چه برسد به دولتی مثل دولت یازدهم که بدون آرمان‌کارش را آغاز کرده است در واقع به تناسب اینکه دولت‌ها تکنوکرات‌ها می‌شوند و توجه‌شان جلب مسائل روزمره می‌شود از فرهنگ فاصله پیدا می‌کنند و باید گفت این مصیبت اصلی کشور ما است.

### \* جریان روشنفکری سکولار، هیچ وقت از فرهنگ غافل نشده است

این سوال را که چرا برخی اشخاص و گروه‌های خاص و خواص توجه‌شان به فرهنگ معطوف نیست، زیاد قبول ندارم و بهتر است بگوییم چرا آنگونه که رهبری فرهنگ را می‌بینند و تحلیل می‌کنند، مسئولان و این دسته از افراد، فرهنگ را تحلیل نمی‌کنند؟ چرا که جریان‌های روشنفکری در کشور ما سال‌هاست که به فرهنگ معطوف شده‌اند و بسیار هم توجه دارند که در ذیل هر سیاستی اهداف فرهنگی خود را دنبال کنند و گاهی عرصه برای آنها فراخ است و گاهی نیز عرصه تنگ می‌شود، ولی همیشه با تلقی خودشان فرهنگی باقی می‌مانند.

در کشور ما جریان روشنفکری سکولار هیچگاه دست از روزنامه‌نگاری، انتشار نشریه و فعالیت رسانه‌ای بر نداشته و نخواهد داشت زیرا آنها قطعاً می‌دانند که فرهنگ مبنای کشور است؛ اساساً جریان غرب‌گرایی در ایران معتقد است که غرب زده کردن ایران فقط از طریق اشاعه فرهنگی ممکن است، به عبارت دیگر به عقیده آنها باید افراد جامعه به لحاظ فکری، معرفتی آماده پذیرش آرمان‌ها و ارزش‌های غرب سکولار شوند تا بتوانند آرمان‌های سیاسی خود را محقق کنند و اگر عمیق و دقیق بخواهیم تحلیل کنیم باید بگوییم که این همان پروسه "سایش" است که رهبری عنوان کرده‌اند.

رهبری عنوان می‌کنند که گروه‌های فشار سکولار، فشار فرهنگی - رسانه‌ای وارد می‌کنند و بعد جامعه را نسبت به ارزش‌ها دچار سایش می‌کنند. به طور مثال مفهوم مقاومت یک ارزش در جامعه است که این گروه‌ها با فشار رسانه‌ای، آن را دچار سایش می‌کنند و خروجی سایش، ریزش است. به عبارت دیگر وقتی بخشی از جامعه نسبت به ارزش‌ها دچار سایش شد، قطعاً از آن ارزش‌ها تنازل می‌کند؛ پس آنها نیز در چارچوب خود کار فرهنگی می‌کنند.

در کشور ما جریان روشنفکری سکولار هیچگاه دست از روزنامه‌نگاری، انتشار نشریه و فعالیت رسانه‌ای بر نداشته و نخواهد داشت زیرا آنها قطعاً می‌دانند که فرهنگ مبنای کشور است؛ اساساً جریان غرب‌گرایی در ایران معتقد است که غرب زده کردن ایران فقط از طریق اشاعه فرهنگی ممکن است. اگر عمیق و دقیق بخواهیم تحلیل کنیم باید بگوییم که این همان پروسه "سایش" است که رهبری عنوان کرده‌اند.

## \* سیاست زدگی رسانه ها، آفت کار فرهنگی است

شما از توجه جدی جریان روشنفکری سکولار به مساله فرهنگ یاد کردید، این سوال پیش می آید که در جریان مقابل، یعنی جریان های فرهنگی انقلاب اسلامی چه می کنند؟ عده ای بر این باور هستند که جریان انقلاب، اصولا کار فرهنگی را رها کرده و یا این که بسیار نحیف و دست چندان به آن می پردازد، نظر شما در مورد این باور چیست؟

یامین پور: نمی توان گفت جریان های فرهنگی انقلابی کار فرهنگی نمی کنند ولی قطعا این فعالیت ها، آسیب هایی هم به همراه دارد که باید آسیب شناسی کنیم. متأسفانه در بسیاری از موارد دغدغه های سیاسی بر دغدغه های فرهنگی اولویت دارد که علت این مسئله هم تحلیل های نادرست است.

### ممکن است مصدافی بیان کنید؟

یامین پور: نگاه کنید مقام معظم رهبری عنوان کردند که فتنه ۸۸ به مثابه یک بیماری فرهنگی است ولی رسانه های ما این فتنه را به مثابه یک پدیده امنیتی دیدند و قطعاً توجهات به مسائل سیاسی و امنیتی جلب شد. البته این بدان معنی نیست که فتنه ۸۸ مسائل سیاسی و امنیتی ندارد ولی این مسائل تنها بخشی از واقعیت است و باید گفت بخش عمده این فتنه، بیماری فرهنگی است ولی چون معمولاً تحلیل پدیده های سیاسی و امنیتی راحت تر است، طرفداران بیشتری هم دارد در واقع باید گفت که تحلیل فرهنگی کار نخبگانی است و نیاز به آموزش، مطالعه و تأمل تاریخی دارد.

### در واقع شما، رسانه های انقلابی را نیز در این میان مقصر می دانید؟

یامین پور: متأسفانه رسانه های انقلابی بیش از حد سیاست زده هستند و به این مسئله علاقه نشان می دهند و همین مسئله باعث شده که حوزه فرهنگ چندان مورد توجه مسئولان و نخبگان و خواص قرار نگیرد. رهبر معظم انقلاب نیاز به زمان داشتند تا مفهوم ریزش و رویش را تحلیل و توصیف کنند و برای تئوریزه کردن مفهوم سبک زندگی نیز نیاز به زمان داشتند چون اصولاً این مسائل در چارچوب فرهنگی تعریف می شوند و زمان بر هستند ولی متأسفانه رسانه ها علاقه مند هستند که به مسائل برجسته سیاسی بزنند به عبارت دیگر رسانه ها به سمت جریان شناسی گرایش دارند.

### شما با جریان شناسی مخالف هستید؟

یامین پور: جریان شناسی مسئله بدی نیست ولی ما از این مسئله به درستی استفاده نکردیم. باید گفت که جریان شناسی در بسیاری از موارد جلوی تفکر و عمیق شدن را می گیرد و قبل از اینکه به این فکر کنید که فکر از کجا نشأت گرفته و نتیجه اش چه می شود، به افراد کمک می کند که انسان ها را قالب بندی کرده و در کمد قرار دهند.

سمت و سوی کار فرهنگی در حزب الهی به جریان شناسی حرکت کرده و این یک

مقام معظم رهبری عنوان کردند که فتنه ۸۸ به مثابه یک بیماری فرهنگی است ولی رسانه های ما این فتنه را به مثابه یک پدیده امنیتی دیدند و قطعاً توجهات به مسائل سیاسی و امنیتی جلب شد.



آسیب و خطر است، حتی به مقوله فرهنگ هم از دید جریان شناسی می نگرند و به جای اینکه به مخاطب این مجال را بدهند که تأمل کند و به فکری نزدیک شوند، برای آن این امکان را فراهم می کنیم قبل از اینکه فکر آدم ها را بشناسند، آنها را به



یک جریان سیاسی منتسب کنند و قطعاً این مسائل آسیب به شمار می رود؛ البته این مسائل همیشه تذکر داده می شود ولی اقتضای رسانه گرایش به سمت جنجال، فراگیری خبر، تازگی خبر و مسائلی از این دست است که طبیعتاً این مسائل از جنس سیاسی است.

**با این تفصیل، بدنه جریان ارزشی و به قول خودمان حزب الهی باید چه کنند؟**

یامین پور: چه بسا به جریان های حزب الهی باید توصیه کنیم بیش از آن که اهل سر زدن به سایت های خبری و رسانه ها باشند، باید اهل کتاب باشند؛ رهبر معظم انقلاب هم ۲ سال پیش تذکر دادند که سقف کار فرهنگی را پرسه زدن در رسانه ها قرار ندهید، چرا که رسانه ها کارشان اطلاع رسانی و تحلیل است و نمی توانند افراد را تربیت کنند و رشد دهند. می توانند سیلاب ایجاد کنند، در حالی که ما باید جویباری عمل کنیم؛ چرا که جویبار می تواند راه خود را پیدا کند.

### **\* دغدغه های فرهنگی آقا، علت گرا است نه معلول گرا**

دیدگاهی وجود دارد مبنی بر این که برخی از حزب الهی ها و افراد انقلابی دغدغه فرهنگ دارند ولی آنها از فرهنگ فقط به برخی مسائل خاص مثل حجاب توجه دارند و کاری به سایر زوایای فرهنگ ندارند، نظر شما چیست؟ اصولاً فکر می کنید دغدغه اصلی و جان کلام رهبری در مورد فرهنگ چیست؟

یامین پور: یکی از بهترین متونی که ما را با دیدگاه فرهنگی رهبری آشنا می کند، کتاب ”دغدغه های فرهنگی“ حضرت آقا است، توصیه می کنم افرادی که مدعی اند

به جریان های حزب الهی باید توصیه کنیم بیش از آن که اهل سر زدن به سایت های خبری و رسانه ها باشند، باید اهل کتاب باشند؛ رهبر معظم انقلاب هم ۲ سال پیش تذکر دادند که سقف کار فرهنگی را پرسه زدن در رسانه ها قرار ندهید، چرا که رسانه ها کارشان اطلاع رسانی و تحلیل است و نمی توانند افراد را تربیت کنند و رشد دهند.

که می خواهند دیدگاه فرهنگی رهبری را پیگیری کنند، این کتاب را بخوانند. خیلی جای تاسف دارد که دوستان اسم خود را ولایت‌مدار می گذارند ولی با همین محدود کتاب هایی که درباره رهبری است نیز آشنایی ندارند. "دغدغه های فرهنگی" یکی از بهترین کتاب هایی است که در حوزه فرهنگ تدوین شده است این کتاب تنها به لحاظ آشنایی ما با نظرات رهبری دارای اهمیت نیست، بلکه نگاه استراتژیک به حوزه فرهنگ دارد و فردی که به این کتاب مراجعه می کند، متوجه می شود که دغدغه های رهبری به شدت مبنایی و پیشینی است. به عبارت دیگر این کتاب علت گرا است نه معلول گرا. دغدغه های رهبری به بن مایه های فرهنگی توجه کرده است نه به معلول ها و نتایج آن.

اینکه در یک جامعه ای بی حجابی زیاد می شود قطعاً نتیجه یک سری فعل و انفعالات در حوزه فرهنگی است؛ قطعاً اشکالی ندارد که بخشی از استراتژی فرهنگی مبارزه با بدحجابی از طریق گشت ارشاد باشد، ولی این نوع عملکرد، مواجهه پسینی با بدحجابی است؛ در حالی که نگاه رهبری به مسائل فرهنگی نگاه پیشینی و میناگرا است و به نظرم جریان انقلاب هم باید در همین چارچوب و مختصات حرکت کند.

#### ممکن است بیشتر توضیح دهید؟

یامین پور: ببینید ما از گفتمان دهه ۷۰ بسیار فاصله گرفته ایم، در آن دهه سردرگمی در مباحث فرهنگی وجود داشت. به طور مثال تصور یک جریان دغدغه مند در کشور این بود که باید جلوی یک فرهنگسرا تحصن کند و یا فیلمی را از روی پرده پایین بکشد ولی این اتفاقات در دهه ۸۰ بسیار متفاوت بود و بسیاری از همان آدم ها به این نتیجه رسیدند که نباید دیگر برخوردهای پسینی داشته باشند و باید گفت که این اتفاق در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بسیار بهتر شده و الان جهت گیری های جریان فرهنگی انقلاب را قابل دفاع می دانم. بسیاری از حزب الهی ها مشغول آموختن مهارت های فرهنگی در حوزه های فیلم سازی، ادبیات، مستندسازی و ... هستند و بسیاری از این افراد در حال حاضر کارهای دانشگاهی می کنند در حالی که در دهه ۷۰ تعداد اساتیدی که بتوان به آنها اتکا کرد بسیار انگشت شمار بودند. به عبارت دیگر الان با ۱۵ سال پیش اصلاً قابل قیاس نیست و امروزه طیف عظیمی از اساتید محکم انقلابی را در دانشگاه ها داریم و باید گفت که نشریات ما امروزه با نشریات جریان روشنفکری در کشور هم آوردی می کند؛ در حالی که ۱۵ سال پیش اصلاً حرفی برای گفتن در این زمینه نداشتیم اما الان زمین بازی در این حوزه فرهنگی عوض شده است.

#### \* جریان روشنفکری، در موضع انفعال و تدافع قرار دارد

یعنی فضا به نفع جریان فرهنگی انقلاب اسلامی عوض شده است؟

یامین پور: ما ۱۵ سال پیش به شدت ذیل جریان روشنفکری بودیم در حالی که الان

افرادى که مدعى اند و مى خواهند دیدگاه فرهنگى رهبرى را پیگیرى کنند، این کتاب را بخوانند. خیلی جای تاسف دارد که دوستان اسم خود را ولایت‌مدار می گذارند ولی با همین محدود کتاب هایی که درباره رهبری است نیز آشنایی ندارند. "دغدغه های فرهنگی" یکی از بهترین کتاب هایی است که در حوزه فرهنگ تدوین شده است. دغدغه های رهبری به بن مایه های فرهنگی توجه کرده است نه به معلول ها و نتایج آن.





این جریان در حوزه انفعال قرار دارد، درست است که امروزه جریان روشنفکری همچنان در حال تولید ماهنامه و نشریات هستند ولی کاملا مشخص است که اینها کاملا در حال تکرار مکررات هستند و مطلب جدیدی به آنها اضافه نشده است. به عبارت دیگر نخبگان جریان روشنفکری گویی دیگر مطلب جدیدی برای مطرح کردن ندارند در حالی که در دهه ۷۰ عبدالکریم سروش هر از چند گاهی با انتشار کتابی به جریان روشنفکری تنفس می داد و حتی در سال ۷۸ هر هفته ما از دانشگاه امام صادق (ع) به دانشگاه شریف می آمدیم و در کلاس های سنت و تجدد استاد ملکیان شرکت می کردیم، آن ایام کسی نبود که حرف های انقلاب را بگوید و به عبارت دیگر حرف های انقلاب بسیار غریب بود؛ در حالی که امروزه فضا تغییر کرده و جریان فکری انقلاب اسلامی رو به جلو قرار دارد و در موضع هجوم قرار دارد اما جریان روشنفکری و مقابل به شدت در حوزه انفعال قرار دارد و نخبگان این جریان به انزوا رفته و افسرده هستند؛ البته این تنها یک مسئله داخلی نیست بلکه یک مسئله بین المللی است و حتی در ابعاد تاریخی هم می بینیم که جریان روشنفکری سکولار در حال تضعیف شدن است و الان دیگر افراد باید خیلی تاریخ مصرف گذشته باشند که بخواهند با قدرت از جریان لیبرال سرمایه داری دفاع کند آن هم در حالی که این جریان الان دیگر خودش حرفی برای دفاع از خود ندارد، در حالی که ۱۵ سال پیش وضعیت اینگونه نبود. یعنی زمانی که سکولارهای اصلاح طلب در قدرت و گروه های تکنوکرات کلیددار کشور بودند، هنوز جریان لیبرال سرمایه داری حرف از نظم نوین جهانی می زد و قطعا در آن ایام چنین حرف هایی شنیدنی بود.

**یعنی شما پروسه لیبرالیسم و روشنفکری وابسته به آن را پایان یافته می دانید؟**

یامین پور: قطعا! چند روز پیش شنیدم که جناب آقای سریع القلم حرفی را مطرح کرده که مربوط به ۲۰ سال پیش است و الان اگر کسی چنین حرف هایی را در غرب بزند، دیگران به چشم فردی منقضی شده به این فرد نگاه می کنند؛ البته در کشور ما نیز دیگر گوشی برای شنیدن چنین حرف هایی وجود ندارد و استدلال این است که جریان های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی پیش روی بسیار خوبی داشتند و اصلا قابل قیاس با دو دهه پیش نیست و حتی انحرافات موجود در سیاست گذاری های فرهنگی جریان انقلابی کشور هم جزو رشد این جریان به شمار می رود.

**بحث جریان روشنفکری شد، بد نیست این سوال را بپرسیم که اصولا شما وضعیت فرهنگی کشور را حاصل پروژه این جریان و طیف برای استحاله می دانید یا اینکه این وضعیت به خاطر ضعف های موجود در عملکرد جریان فرهنگی انقلاب است؟**

یامین پور: ببینید ما بعد از انقلاب اسلامی می بایست به تاسیس نهادهای فرهنگی و اجتماعی می پرداختیم و در این تاسیس تاخیر داشته ایم، در سال ۸۸ و ۳۰ سال بعد از

ما بعد از انقلاب اسلامی می بایست به تاسیس نهادهای فرهنگی و اجتماعی می پرداختیم و در این تاسیس تاخیر داشته ایم، در سال ۸۸ و ۳۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رهبر انقلاب عنوان می کنند که بهتر است از کلمه "توسعه" استفاده نکنیم، چرا که توسعه اقتضائات خود را دارد و بهتر است به جای استفاده از این کلمه واژه "پیشرفت" را به کار ببریم. همچنین ایشان می گویند تازه ادبیاتی فراهم شده است که می توان این مطلب را بیان کرد.



پیروزی انقلاب اسلامی رهبر انقلاب عنوان می کنند که بهتر است از کلمه "توسعه" استفاده نکنیم، چرا که توسعه اقتضات خود را دارد و بهتر است به جای استفاده از این کلمه واژه "پیشرفت" را به کار ببریم. همچنین ایشان می گویند تازه ادبیاتی فراهم شده است که می توان این مطلب را بیان کرد. رهبری یک بار در سال ۷۴ درباره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت صحبت کردند ولی دولتی که در آن ایام بر سر کار بود اصلا گوشه برای شنیدن این حرف ها نداشت؛ چرا که این دولت، دولت تکنوکرات غرب زده بود و متأسفانه دولت بعدی وضعیت بدتری داشت؛ از این رو گوشه برای شنیدن سخنان رهبری نبود؛ در حالی که بعد از انقلاب اسلامی باید به سمت تاسیس نهادهای اجتماعی و فرهنگی حرکت می کردیم، تاکیدم بر نهادهای اجتماعی و فرهنگی به این دلیل است که تنها نباید به سینمای دینی فکر کرد، بلکه باید به مقوله نشاط اجتماعی هم فکر کرد.

ما انقلاب کردیم و مشروب فروشی ها، خانه های فحشا و سینمای خلاف اخلاقی را بستیم و جلوی تفریحات ناسالم را گرفتیم ولی مابه ازائی را برای آنها تعریف نکردیم؛ حتی اوایل انقلاب نسبت به ورزش هم بدبینی وجود داشته است و عده ای اعتقاد داشتند که باید جلوی فوتبال را گرفت. در واقع باید در موقعیت ایجاب نهادی را تاسیس می کردیم که نشاط اجتماعی را جبران کند. این مطلب را عمدا بیان کردم تا متوجه شویم که توجه ما در حوزه فرهنگ فقط معطوف به بخش فرهنگ نیست، بلکه کلیت فرهنگ مد نظر است. به طور مثال باید حوزه تربیت بدنی و ورزش را ساماندهی می کردیم، حوزه هنر، صنعت هنر و رسانه و نهادهای اجتماعی را باید ساماندهی می کردیم و این پروژه طولانی مدت برای حرکت به سمت نهادهای اجتماعی است؛ البته شرط این حرکت این است که کسانی که مدیریت جامعه را بر عهده دارند، به این مسائل اعتقاد داشته باشند که اینگونه نبود و حتی سال های سال مدیران کشور کسانی بودند که به امکان تمدن اسلامی حتی فکر هم نمی کردند و معتقد بودند جمهوری اسلامی حداکثر شبیه به کشور درجه چندم اروپایی است که تنها در آن اذان پخش می شود.

### **\* منطقی این بود که الان حتی یک چادری نداشته باشیم!**

#### **مقامات ارشد چنین دیدگاهی را داشتند یا مدیران میانی؟**

یامین پور: در سطح مقامات ارشد اجرایی این تفکرات وجود داشت. این نگاه های تکنوکرات در مدیریت کشور وجود داشته است. قطعاً زمانی که ما نهادهای اجتماعی و فرهنگی را در کشور تاسیس نکردیم و نهادهای آماده جریان روشنفکری جای خود را در کشور باز می کند؛ طبیعتاً آنها برای خود طراحی هایی دارد که پیشینه چند ده ساله دارد. البته مقاومت فرهنگی ایران در مقابل آنها بسیار زیاد بوده است که در حال حاضر چنین وضعی داریم؛ چرا که ما هیچ کاری نکردیم و آنها فعالیت های گسترده ای را

ما انقلاب کردیم و مشروب فروشی ها، خانه های فحشا و سینمای خلاف اخلاقی را جلوی تفریحات ناسالم را گرفتیم ولی مابه ازائی را برای آنها تعریف نکردیم؛ حتی اوایل انقلاب نسبت به ورزش هم بدبینی وجود داشته است و عده ای اعتقاد داشتند که باید جلوی فوتبال را گرفت. در واقع باید در موقعیت ایجاب نهادی را تاسیس می کردیم که نشاط اجتماعی را جبران کند.

انجام دادند و طبیعتاً با چنین وضعیتی الان نباید حتی یک فرد چادری در تهران داشتیم. اینکه هنوز کشور به آن وخامت نرسیده است نتیجه اثرگذاری نهادهای دینی و فرهنگی است البته عده‌ای به گفتن حرف‌های درشت علاقه دارند و به طور مثال وضعیت طلاق ایران را نسبت به کشورهای اروپایی مقایسه می‌کنند که کاری بسیار



مسخره است؛ چرا که در وهله اول باید نهاد خانواده را در ایران و کشورهای اروپایی مقایسه کنند و بعد دست به مقایسه آمار طلاق بزنند، در حالی که در کشورهای اروپایی اصلاً چنین نهادی معنا ندارد.

### تصور می‌کنید جریان روشنفکری رو به اضمحلال قرار دارد؟

یامین پور: این جریان نسبت به ۲ دهه قبل به شدت ضعیف شده است و باید گفت که جریان روشنفکری امروزه دیگر حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و عصبانی شده است که یکی از نشانه‌های ضعف همین عصبانیت است. به عبارت دیگر این جریان امروزه بسیار بددهن شده است؛ در حالی که در دهه ۷۰ و دوران اصلاحات به گونه‌ای وانمود می‌کردند که به ظاهر باید حرف همه را شنید ولی امروزه این جریان به شدت عصبانی است و دیدید کسی که ضعف اعصاب می‌گیرد، پرخاشگر می‌شود و جریان روشنفکری نیز امروزه همین گونه عمل می‌کند و این رفتار را می‌توان در رسانه‌های آنها دید. باید گفت که نگرانی در چهره جریان روشنفکری مشخص است. علاوه بر این جریان روشنفکری سال‌ها است که کتاب قوی و دندان‌گیری ارائه نکرده است و دیگر خبری از نخبگان این جریان که بنیادهای نظری را ارائه می‌دادند، نیست. جریان روشنفکری به سمت نخبگان سنت‌گرا و حتی انقلابی‌گرایش پیدا کرده است و این مسئله بسیار جالبی است.

این جریان به دلیل نبود نخبگان خود، توجه‌شان به نخبگان غرب‌ستیز و سنت‌گرا جلب شده است. همچنین ما الان در حوزه مباحثه و مناظره با جریان روشنفکری قرار

ما الان در حوزه مباحثه و مناظره با جریان روشنفکری قرار گرفته ایم و باید گفت که در این حوزه دست برتر هستیم؛ در حالی که زمانی در حد دیالوگ با این جریان هم نبودیم. به عبارت دیگر پاسخ‌هایی که به لحاظ نظری و معرفتی در جبهه فکری به مسائل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و تمدنی از سوی ما داده می‌شود بسیار پیش‌رو و از موضع بالا هستند.

گرفته ایم و باید گفت که در این حوزه دست برتر هستیم؛ در حالی که زمانی در حد دیالوگ با این جریان هم نبودیم. به عبارت دیگر پاسخ هایی که به لحاظ نظری و معرفتی در جبهه فکری به مسائل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و تمدنی از سوی ما داده می شود بسیار پیش رو و از موضع بالا هستند؛ البته تا تبدیل شدن این قوت به شئون تمدنی فاصله زیادی داریم ولی باید گفت که اینها نشانه های خوبی هستند.

### **\* تولیدات جریان فرهنگی انقلاب، باید در سطح جامعه دیده شود**

به نظرم البته باید پذیرفت که هنوز جریان روشنفکری با قدرت، عرصه تولیدات محصولات فرهنگی را در دست دارد و سبک زندگی مورد نظر خود را ترویج می کند.

یامین پور: نگرانی اصلی ما نیز همین است، یعنی مردم در کف خیابان هنوز مابه ازای عینی و بیرونی از ما ندیده اند؛ چرا که ۱۰۰ سال است که کالبد تنفسی ما کالبد غربی و غرب زده هست و محصولاتی که فرصت تجاری شدن را پیدا می کنند محصولات غربی هستند و سبک زندگی نیز متأثر از همین محصولاتی است که بخشی از نیازهای اجتماعی و فرهنگی را پاسخ می دهد. انقلاب اسلامی نیز در این زمینه فعالیت هایی را داشته است ولی باید گفت که ساختارها، ساختارهای غرب زده هستند در حالی که باید بعد از انقلاب اسلامی تغییری در ساختارها ایجاد می کردیم که متاسفانه این اتفاق نیفتاد و همچنان قوانین، قوانین متأثر از جریان های غربی است. به طور مثال تازه بعد از ۳۵ سال متوجه شده ایم که در حوزه زن باید چه کارهایی انجام دهیم که طبیعتاً این مسائل هزینه های زیادی دارد.

مثال دیگر این است که شهرسازی در مقوله سبک زندگی و ازدیاد جمعیت بسیار موثر است و الان استراتژی ما افزایش جمعیت است اما حتی تصور اینکه جمعیت تهران از ۱۲ میلیون به ۲۴ میلیون برسد هم تصور غیرممکنی است؛ می بینیم که به طور مثال راهبردهای شفاف ما به شدت متأثر از مقوله شهرسازی است که در این مقوله می خواهیم چه طرح کلانی را پیاده کنیم که مسائل جمعیتی، سبک زندگی، فرهنگی و ... ساماندهی شود؛ از این رو چنین مسائلی، کلان پروژه هستند و نباید مسائل را ساده و تک عاملی در نظر بگیریم. به عبارت دیگر نباید اینگونه تصور کنیم که مردم را مجاب کنیم که مثلاً اگر فرزند بیشتری داشته باشید زندگی شادتری خواهید داشت، طبیعتاً تا زمانی که مادر خانواده به دلیل مشکلات اقتصادی باید چند ساعت خارج از خانه فعالیت کند، چه منطقی برای فرزندآوری وی وجود دارد.

در واقع الان در مرحله ای هستیم که نمی توانیم منتزع از اقتصاد و موقعیت تمدنی خود نظریه پردازی فرهنگی داشته باشیم. باید مسایل را در ارتباط با هم تحلیل کرد.

۱۰۰ سال است که کالبد تنفسی ما کالبد غربی و غرب زده هست و محصولات غربی که فرصت تجاری شدن را پیدا می کنند محصولات غربی هستند و سبک زندگی نیز متأثر از همین محصولاتی است که بخشی از نیازهای اجتماعی و فرهنگی را پاسخ می دهد. انقلاب اسلامی نیز در این زمینه فعالیت هایی را داشته است ولی باید گفت که ساختارها، ساختارهای غرب زده هستند.

## \* دولت، از لحاظ پارادایمی عقب افتاده است

اشاره داشتید به مشکلات ساختاری. دیدگاهی در این زمینه وجود دارد که برخی از ساختارهای کشور به طور کلی باید ویران شود و ساختاری جدید جایگزین آن شود، نظر شما در این زمینه چیست؟

یامین پور: بخشی از ساختارها به معنای واقعی باید ویران شود، ولی معنایش این نیست که اول آن را خراب کنیم و بعد بر روی خرابه ها بنای جدیدی بسازیم، گاهی باید با تغییر محتوا و ماهیت با ساختارها مواجه شویم، البته برخی از ساختارها اصلا ربطی به انقلاب اسلامی ندارند ولی قدم اول همیشه آگاهی است. الان نیز ما در آن وضعیت قرار گرفته ایم در حالی که در دهه های گذشته از چنین آگاهی برخوردار نبودیم و تلقی مان تلقی غرب زده ای از سبک زندگی و مدیریت جامعه بود اما الان در مرحله آگاهی هستیم ولی از این متأسفیم که دولت مان آگاه نیست. به عبارت دیگر ما از لحاظ نخبگانی، خواص و راهبردهای کلانی که رهبر معظم انقلاب تبیین می کنند در مرحله آگاهی قرار داریم ولی دولتی که باید این راهبردها را عملیاتی کند، اعتقادی به آنها ندارد و به لحاظ پارادایمی دولت، دولت عقب افتاده ای است و این تأسف بزرگی برای کشور است چون هزینه های زیادی را در پی دارد.

### ویران کردن ساختارها و ایجاد ساختارهای جدید چه قدر زمان نیاز دارد؟

یامین پور: قطعا در وهله اول باید در ریل قرار بگیریم، چرا که تمدن سازی پروسه چند ساله نیست و مسئله مهم قرار گرفتن روی ریل و آگاهی مردم از حیث جمعی شان ایجاد شود؛ چرا که تمدن سازی از آگاهی سازی ایجاد می شود.

## \* وجود مشاوره‌هایی مانند سریع القلم برای دولت، مایه تأسف است

### فکر می کنید در این مسیر قرار گرفته ایم؟

یامین پور: متأسفانه گویا همت و اراده ای برای تغییر فاز در این زمینه وجود ندارد و زمانی که افرادی مانند سریع القلم به عنوان مشاوره های دولت هستند، بسیار تأسف می خورم.

قطعا اگر خودآگاهی تاریخی در حیث جمعی اش رخ دهد همه چیز کم کم سامان می یابد در حالی که امروزه همه مسائل سیاسی است چرا که این مسئله امروزه فوریت دارد، در واقع فوریت ها اولویت ها را از بین می برد، البته ما اولویت مان بعد از انقلاب اسلامی همیشه فرهنگ بوده است، ولی فوریت های دیگری داشتیم، در یک مقطع فوریت مان جنگ شد در مقطعی دیگر فوریت مان بازسازی شد، در یک مقطعی فوریت مان مسائل سیاسی و امنیتی شد الان هم فوریت مان مسائل اقتصادی است.

ما از لحاظ نخبگانی، خواص و راهبردهای کلانی که رهبر معظم انقلاب تبیین می کنند در مرحله آگاهی قرار داریم ولی دولتی که باید این راهبردها را عملیاتی کند، اعتقادی به آنها ندارد و به لحاظ پارادایمی دولت، دولت عقب افتاده ای است و این تأسف بزرگی برای کشور است چون هزینه های زیادی را در پی دارد.

## \* روی کار آمدن "روحانی"، به دلیل دامن زدن به دغدغه‌های

معیشتی بود

فکر می‌کنید چه زمانی این اولویت، به فوریت تبدیل شود؟

یامین پور: وقتی شرایط خود را تحلیل می‌کنیم تاسف می‌خوریم برای دولتی که امروزه سرکار است و فوریت‌ها اجازه نمی‌دهند که اولویت‌هایمان را به سرعت پیگیری کنیم و امروزه فوریت‌ها همان مسائل معیشتی است؛ چرا که اگر دغدغه‌های معیشتی در ایام انتخاب اوج نگرفته بود، فردی مانند روحانی رای می‌آورد؟ به عقیده من "روحانی" مستقیماً نتیجه دامن زدن به فوریت‌های معیشتی است و در این ماجرا جریان اصولگرا هم مقصر است، چرا که این جریان به جای ضریب دادن به آرمان‌ها و برجسته کردن اهداف تمدنی به فوریت‌های معیشتی دامن زدند؛ طبیعی است وقتی به فوریت‌های معیشتی دامن زده می‌شود یک جریان می‌تواند از این مسئله استفاده کند و از این طریق برای خود رای جمع کند.

البته از حیث نخبگانی الان فضا و پارادایم در حال تغییر است، یعنی زمانی ایده‌های غرب‌گرایانه تسلط داشت و هژمونی آمریکایی و غربی حاکم بود و حرف‌های آنها شنیده می‌شد، به عبارت دیگر این حرف‌ها مقبولیت داشت، ولی الان دیگر آن حرف‌ها مقبولیت گذشته را ندارد و علاوه بر آن ایده‌های دینی، انقلابی و ناظر بر تمدن اسلامی بسط پیدا کرده و ادبیات این ایده‌ها قوی شده است؛ همانگونه که مقام معظم رهبری بعد از گذشت ۳۰ سال امروز می‌گویند که می‌توان درباره الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت صحبت کرد و حتی مرکزی زیر نظر خودشان تاسیس می‌کنند تا این مسئله را دنبال کنند. جریان انقلاب از جریان‌های سیاسی و هیجانی اوایل انقلاب فاصله گرفته و تبدیل به جریان‌های نخبگانی، معرفتی و دانشگاهی شده است و این حرف‌ها کم‌کم راه خود را پیدا می‌کنند.

نکته ای را نیز باید بگویم، اگر منتظر نتایج ملموس و زودبازده هستید که طبیعتاً این اتفاق در هیچ تمدنی اتفاق نمی‌افتد، امروزه منازعه جدی شده است در حالی که در گذشته اینگونه نبود بلکه منازعه سیاسی بود، چرا که ما حرف نظری و تمدنی جدی‌ای نداشتیم و خوش بینی من از حیث رویکردازی نیست؛ چرا که بخشی از تمدن‌سازی اتکا به نخبگان، خواص و فضای جامعه دارد و زمانی که این را تحلیل می‌کنیم و به تمدن غرب نگاه می‌کنیم که رو به افول هستند، پس طبیعی است که برآیند ماجرا مثبت باشد.

## \* جریان فرهنگی ارزش گرا، باید از شتاب زدگی پرهیز کند

یک انتقاد و نقیضه بزرگ در جریان روشنفکری سکولار وجود دارد و آن هم پرداختن به موضوعاتی خاص و به دور از دغدغه‌های مردم و به

به عقیده من "روحانی" مستقیماً نتیجه دامن زدن به فوریت‌های معیشتی است و در این ماجرا جریان اصولگرا هم مقصر است، چرا که این جریان به جای ضریب دادن به آرمان‌ها و برجسته کردن اهداف تمدنی به فوریت‌های معیشتی دامن زدند؛ طبیعی است وقتی به فوریت‌های معیشتی دامن زده می‌شود یک جریان می‌تواند از این مسئله استفاده کند و از این طریق برای خود رای جمع کند.

نوعی انتزاعی است، فکر می کنید ممکن است جریان فرهنگی - ارزشی هم به این آفت جریان روشنفکری دچار شود و با دوری از مردم به مباحث انتزاعی و خاص سیاسی دچار شود؟ اصولا اگر بخواهید یک نقد به جریان فرهنگی انقلاب اسلامی وارد کنید، آن نقد چیست؟

یامین پور: کسی که به این آسیب مبتلا شود، دیگر حزب الهی نیست. البته ممکن است بخشی از جریان حزب الهی بخشی دیگری را به خاطر اولویت هایش نقد کند که آن مساله ای دیگر است اما اینکه سیاست زدگی در حال لطمه زدن به فرهنگ است واقعیتی است باید آن را آسیب جدی تلقی کرد. به عبارت دیگر اینکه فرهنگ ذیل سیاست دیده شود قطعاً یک آسیب به شمار می رود. به طور مثال مواجهه ما با فتنه یک مواجهه سیاسی بود، در حالی که می توانستیم به ریشه های این فتنه متمرکز شویم که یکی از آن ریشه ها دانشگاه است و قطعاً جریان حزب الله باید زودتر از این به دانشگاه توجه می کرد، ولی وقتی سیاسی تحلیل می کنیم این مسئله را به جریان های سیاسی و جریان های سیاسی دانشجویی ارتباط می دهیم که به عقیده من این مسئله اشتباه است.

نگاه مان در فرهنگ سلبی بوده است و گمان می کردیم باید رویکرد پسینی داشته باشیم و تنها دنبال کنترل بودیم و نگاه مان معلول گرا بوده تا علت گرا ولی الان توجه به زیرساخت ها بیش از گذشته است ولی با این حال هنوز به مرحله مطلوب نرسیده است. یعنی جریان انقلابی باید فراتر از هیجان زدگی و شتاب زدگی در مواجهه با آسیب های فرهنگی عمل کند و این جریان باید این تصمیم را بگیرد که به صورت تخصصی در مسائل انقلاب اسلامی فکر کند و به آنها پاسخ دهد. به طور مثال رهبری یک بار مقوله آزادی را مطرح کردند و باید به این مسئله فکر کنیم و لحاظ نظری چه چارچوبی را برای مفهوم آزادی ارائه کرده ایم و حتی مسائل اجتماعی از تشکیل خانواده تا فروپاشی خانواده و زنان خیابانی و مقوله امر به معروف و نهی از منکر.

#### منظورتان از شتاب زدگی را شفاف تر بیان می کنید؟

یامین پور: معنای شتاب زدگی و هیجان زدگی این است که مثلاً وقتی یک پدیده ای مثل حمله به یک آمر به معروف و ناهی از منکر رخ می دهد و یک نفر شهید می شود ما شروع به برخورد تبلیغاتی و سیاسی با این پدیده می کنیم؛ قطعاً بنر زدن و شعر گفتن، مجلس ختم گرفتن و تجمع برگزار کردن و ... کارهای فرهنگی به شمار می رود ولی قطعاً باید بعد از آنها یک اتفاقی رخ دهد و آن این است که یک لجنه ای روی این مسئله متمرکز شود که خلاءهای این مسئله چیست و حتی مسئله امر به معروف از لحاظ اجتماعی به چه نظریه ای احتیاج دارد ولی متأسفانه در این زمینه دیگر کاری انجام نمی شود و گویی جریان حزب الهی موظف به حضور خیابانی، میدانی و تبلیغاتی و سیاسی است و حضور کتابخانه ای و دانشگاهی و نظری و معرفتی و قانونی این جریان کم رنگ است در حالی که جریان مقابل هم به این مسئله علاقه دارد و

نگاه مان در فرهنگ سلبی بوده است و گمان می کردیم باید رویکرد پسینی داشته باشیم و تنها دنبال کنترل بودیم و نگاه مان معلول گرا بوده تا علت گرا ولی الان توجه به زیرساخت ها بیش از گذشته است ولی با این حال هنوز به مرحله مطلوب نرسیده است.

حتی گاهی با تیتزه‌های رسانه‌های خود جریان حزب الهی را تحریک می‌کند.

**به عنوان آخرین سوال، برخی معتقدند حمایت دولت و حاکمیت باعث فریبی و رانتی بزرگ شدن جریان فرهنگی انقلابی و ارزشی می‌شود، نظر شما چیست؟ آیا فکر می‌کنید دچار این معضل شده ایم؟**

یامین پور: مابه‌ازای بیرونی این قضیه به ذهن نمی‌رسد. البته با دولتی شدن این جریان مشکل دارم، به عبارت دیگر با این مسئله که این جریان رانتی شود و بودجه‌ای دولتی در اختیار آنها قرار بگیرد مخالفم، چرا که این کار جوشش جریان فرهنگی را می‌گیرد؛ ولی با اینکه انقلاب اسلامی باید به این جریان خدمات دهد موافقم.

چرا بودجه‌های کشور صرف کارهایی می‌شود که اصلاً نسبتی با جریان فرهنگی ندارد؟ طبیعتاً انقلاب اسلامی باید به این جریان کمک کند. این مسئله هم مانند عاشورا و محرم می‌ماند، محرم باید در جوشش مردمی خود باقی بماند، ولی این بدان معنی است که دولت به هیئت‌ها و ساختارهای دینی کمک نکند. قطعاً دولت باید کمک خود را داشته باشد.

**با این مسئله که این جریان رانتی شود و بودجه‌ای دولتی در اختیار آنها قرار بگیرد مخالفم، چرا که این کار جوشش جریان فرهنگی را می‌گیرد؛ ولی با اینکه انقلاب اسلامی باید به این جریان خدمات دهد موافقم. این مسئله هم مانند عاشورا و محرم می‌ماند، محرم باید در جوشش مردمی خود باقی بماند، ولی این بدان معنی است که دولت به هیئت‌ها و ساختارهای دینی کمک نکند.**

البته باید چشم‌های ظریفی همیشه مراقب باشند که کمک به این جریان‌ها آنها را تبدیل به یک جریان رسوب‌گرفته نکند؛ البته به عقیده من یک اجحاف تاریخی به جریان انقلابی شده است به عبارت دیگر حزب الهی‌ها در کمبود مالی، کار فرهنگی و مبارزه فرهنگی کرده‌اند و هنوز هم وقتی مقایسه می‌کنیم متوجه می‌شویم که جریان‌ها، نهادها و سازمان‌هایی که باید کار فرهنگی بکنند، نه تنها چنین کاری نمی‌کنند بلکه کارهای غیرفرهنگی می‌کنند، علاوه بر اینکه این سازمان‌ها بودجه‌های بیشتری نسبت به جریان حزب الهی در اختیار دارند؛ همچنین وقتی دولتی مانند دولت یازدهم روی کار می‌آید عرصه برای جریان روشنفکری هم فراخ می‌شود که قطعاً باید افرادی جلوی این جریان را بگیرند.

**ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.**

تهیه شده در مرکز فرهنگی وارثین [Vareseen.ir](http://Vareseen.ir)

برای دریافت دیگر جزوات [jozveh88.blog.ir](http://jozveh88.blog.ir)



## کتاب "دغدغه های فرهنگی" :

شرح مبسوط دیدگاه های فرهنگی مقام معظم رهبری پیرامون بحث فرهنگ: اهمیت، جایگاه، چگونگی عمل، باید و نبایدها

فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد... تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه ی فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. اما آنچه نقطه ی مهم تر عرض من است، خطاب به جوانهایی است که در سرتاسر کشور فعالیت های فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند... با اراده ی خودشان، با انگیزه ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آنها ناشی شده است که از بعضی از آنها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هر چه میتوانند به طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوانهای مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است. مقام معظم رهبری در حرم رضوی نوروز ۹۳



## کتاب "جهاد اقتصادی" :

چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بینات مقام معظم رهبری

نکته ی سوم، تهدیدهای اقتصادی خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله ی هسته ای است، نه مسئله ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمی شود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. (جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰)

ما هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتمان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم. ۹۲/۱۲/۱۵

این کتب را می توانید از:

وارثین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛ دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد

لب خندق، تلفن: ۰۶۴۱۲۲۵۴۵۵۶ و ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴ تهیه نمایند.

